

گفت و گو

زیستن‌های ماندگار

گفت و گو با محمد علی فارسی درباره فیلم مستند از زندگی معلمان



اشاره

از اقدامات ارزشمند صدا و سیما در چند سال اخیر، تأسیس «شبکه مستند» است؛ شبکه‌ای بدون مجری و شبانه‌روزی که به‌جز فیلم‌های مستند داخلی و خارجی فیلم دیگری پخش نمی‌کند. در ایام نوروز امسال در ضمن فیلم‌هایی که از مستندسازان ایرانی از این شبکه پخش شد، سه فیلم درباره سه نفر نظر مرا بیشتر جلب کرد؛ مستندهای محمد بهمن بیگی، پرویز شهریاری و ادوارد فیتز جرالد. قبل و بعد از پخش هر فیلم، کارشناس برنامه با کارگردان این فیلم‌ها گفت و گویی انجام می‌داد؛ چنین شد که من با محمد علی فارسی آشنا شدم. از آنجا که اولاً وی به ساختن مستند از زندگی دو معلم برجسته معاصر پرداخته بود و ثانیاً ما در دو سال گذشته، تصویر دو معلم گفته شده (بهمن بیگی و شهریاری) را روی جلد مجله کار کرده بودیم، به‌نظر آمد که گفت و گو با این کارگردان می‌تواند برای خوانندگان رشد معلم جذاب باشد. در جست‌وجو برای یافتن آقای فارسی متوجه شدم که فیلم معلم (بهمن بیگی) دو سال پیش در جشنواره بین‌المللی رشد - که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار می‌کند - برنده جایزه شده است و این خود مرا بیش از پیش به آنچه در نظر داشتم مصمم کرد. سرانجام موفق به ارتباط با محمد علی فارسی شدم و در یک بعدازظهر از روزهای اردیبهشت، با این کارگردان، در دفتر کار ایشان به گفت و گو نشستیم.

سردبیر

○ اولین مجموعه‌ای که به‌نظر خودم خیلی تأثیر گذاشت و من در آن دخیل بودم و کسانی که در همان سال‌ها آن را دیده‌اند ممکن است یادشان باشد، مجموعه «سراب» بود که من آن را مونتاژ می‌کردم و کارگردان کار هم شهید مرتضی آوینی بود. این مجموعه در زمانی ساخته شد که موج‌های دوم و سوم مهاجرت ایرانی‌ها شروع شده بود؛ بعد از جنگ. و ما آن را با این هدف ساختیم که زوایای منفی مهاجرت را به مردم نشان دهیم. اتفاقاً این کار خیلی بیننده داشت و مردم هر هفته مجموعه را دنبال می‌کردند.

● پس شهید آوینی هنوز در قید حیات بود؟

○ بله؛ سال‌های ۶۷ و ۶۸ بود.

● می‌بینم که عکس شهید آوینی را هم رویه‌رویتان در اینجا به دیوار نصب کرده‌اید. بفرمایید که نحوه همکاری شما با آن شهید به چه صورت بود؟

○ می‌دانید که در آن زمان مردم زیاد شهید آوینی را نمی‌شناختند؛ او بیشتر به‌واسطه صدایش معروف بود و اکثراً مردم این صدا را دوست داشتند؛ ولی ما چون در حوزه مستندسازی کار می‌کردیم، ایشان را می‌شناختیم و من خودم آرزو داشتم به‌نحوی به ایشان نزدیک شوم و خوش‌بختانه این اتفاق افتاد. به این صورت که من اول با دیپلم استخدام شدم و بعد بورسیه گرفتم و در ضمن کار، برای تحصیل به دانشکده صداوسیما رفتم. در این زمان، برای کار به گروه تلویزیون جهاد پیوستم که شهید آوینی هم آنجا بود. مجموعه سراب داشت شکل می‌گرفت که به من کار مونتاژ پیشنهاد شد. از آن روز

● آقای فارسی، سپاس‌گزاریم از اینکه فرصت گفت و گو با مجله رشد معلم را به ما دادید. لطفاً در آغاز این گفت و گو مختصری از سابقه فعالیت‌های خودتان را بیان کنید.

○ من کارمند بازنشسته صداوسیما هستم. حدود سی سال است که در این عرصه فعالیت می‌کنم. تحصیلات تکمیلی خود را در دانشکده صداوسیما به پایان رسانده‌ام؛ یعنی لیسانس سینما با گرایش فیلم‌نامه از دانشکده صداوسیما گرفته‌ام. به غیر از مستند، در هیچ عرصه دیگری فعالیت نکرده‌ام و تمام وقت و تجربه خود را در همین عرصه یعنی «تولید فیلم مستند» صرف کرده و اندوخته‌ام.

● یعنی در حوزه‌ای که در صداوسیما

بودید، مستند کار بودید؟

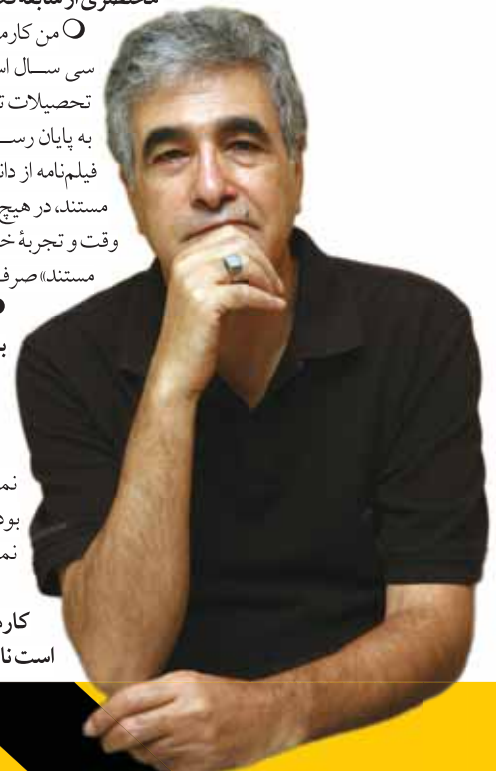
○ بله، مستند کار بودم.

● اولین فیلمتان چه بود؟

○ واقعیت این است که اصلاً یادم نمی‌آید! فیلم‌هایی که ساختم، آن‌قدر زیاد بودند که تقدم و تأخرشان در خاطر من مانده است.

● به هر حال می‌توانید چند تا از کارهایتان را که از نظر خودتان ماندگار

است نام ببرید.





کار من با شهید آوینی شروع شد.
● آیا شما هیچ وقت کار مونتاز روایت فتح را بر عهده داشتید؟

○ نه، من در فیلم بعد از جنگ کار کردم و این زمانی بود که آوینی دیگر پشت میز مونتاز نمی نشست و پای ثابت کارهای مونتاز ایشان من بودم.

● جناب فارسی، برای اینکه خوانندگان ما با مقوله مستند آشنایی بیشتری پیدا کنند، بفرمایید که اصولاً فیلم مستند به چه فیلمی گفته می شود؟

○ ببینید، آنچه الان به غلط بین مردم جاافتاده و دغدغه بزرگ ما مستندسازها شده این است که تصور عمومی اغلب مردم از مستند، همین فیلم های حیات وحش است. در حالی که واقعیت این نیست. البته فیلم های حیات وحش هم مستند است ولی فیلم مستند فراتر از این هاست. خلاصه اینکه به هر فیلم غیر داستانی مستند می گویند و الان تأثیر فیلم مستند در دنیا به مراتب بیشتر از «فیلم سینمایی» است. در همه جای دنیا برای بیان مشکلات از راه مستند وارد می شوند. تا به امروز سینما نتوانسته است به اندازه مستند بر مخاطب تأثیر بگذارد. در همین ایران، اگر فقط کارهای شهید آوینی را، که مستند جنگ و دفاع مقدس است، در نظر بگیریم، می بینیم خیل عظیمی از کسانی که جذب جبهه ها شدند و رفتند به جنگ، به خاطر مستندهای روایت فتح بود. البته تلویزیون و مطبوعات و مساجد هم بودند ولی جایگاهی را که روایت فتح، از لحاظ جذب و تأثیر گذاری روی مخاطب خصوصاً در نیمه دوم جنگ داشت، هیچ فیلم دیگر نداشت. در همان زمان فیلم های سینمایی جنگی هم ساخته می شدند ولی آن تأثیر را نداشتند. همان «مجموعه سراب» هم که ما ساختم خیلی تأثیر گذار بود و معضل مهاجرت را به گونه ای کاهش داد. این را من براساس آمارهایی که می داند و حاکی از افت شدید مهاجرت در آن سال ها بود می گویم.

● با این توصیف، پس چرا فیلم مستند در ایران نسبتاً مهجور است؟

○ باید بگویم، از چشم مدیران فرهنگی تأثیر فیلم مستند جدی دیده نشده است. از جمله در بخش آموزش و پرورش، در روابط عمومی ها و... تنها جایی که در آن خیلی سرمایه گذاری نمی کنند همین بخش مستندسازی است، در صورتی که شما به خصوص در آموزش و پرورش، یک مخاطب انبوه دارید و فیلم مستند می تواند روی آن ها تأثیر بگذارد؛ مخصوصاً روی قشر دانش آموز. متأسفانه جوی فراگیر شده که تمام بخش سینما شده است فیلم داستانی. به مستند کم توجهی می شود. البته این را هم بگویم که ما گونه ای از مستند داریم به نام «Document Dreama» که بیانی داستانی دارد و من خودم در این بخش کار می کنم.

● در کشورهای دیگر، از فیلم مستند چگونه استفاده می کنند؟
○ در تمام دنیا و همه کشورهای فیلم مستند کارکرد دارد. مثلاً

انگلیس را در نظر بگیرید به عنوان «مهد مستند». تلویزیون آنجا، البته بهترین فیلم های داستانی را نشان می دهد ولی اگر بر نامه های مستند داشته باشد، در تمام کشور بیلبرد می زند که در فلان تاریخ و در فلان شبکه فلان فیلم مستند پخش می شود؛ این قدر برایشان مهم است. ولی متأسفانه ما، در هیچ یک از بخش ها، بلند نیستیم از مستند استفاده کنیم. مثلاً همین خیابان پیروزی راه که ما اکنون در آن هستیم، چندین سال است می خواهند تعریض کنند و دعوی اساسی بین مردم و شهرداری وجود دارد. شهرداری می تواند با ساختن یک مستند، به درددل های مردم گوش دهد، بعد هم نظر شهرداری بیان شود تا قضیه حل شود.

● آیا شبکه مستند که در صدا و سیما تأسیس شده است همین نگاه را دارد؟

○ بله. ولی این تازه آغاز راه است و امیدوارم که جایگاه خود را پیدا کند و اگر به آن جایگاه برسد، حتماً تبدیل می شود به پر مخاطب ترین شبکه تلویزیونی.

● آقای فارسی، آیا فیلم مستند لزوماً باید کوتاه باشد یا نه؟

○ نه، هرگز. ما در عالم تصویر سینما دو گونه و به اصطلاح دو «ژانر» داریم: فیلم داستانی و فیلم مستند؛ و هم فیلم داستانی کوتاه داریم هم فیلم مستند کوتاه، هم فیلم داستانی بلند داریم که همان «فیلم سینمایی» است و هم مستندی داریم که اگر زمانش بالا باشد می گوئیم «مستند سینمایی». اگر به خیابان بروید و از مردم بپرسید آخرین مستند سینمایی که دیده اند چه بوده است، غالباً نمی توانند «مستند» و «سینما» را در کنار هم جمع کنند و می گویند: مستند چه ربطی به سینما دارد؟ در صورتی که سینما سینماست؛ حالا یا مستند است یا داستانی؛ یا داستانی کوتاه است یا داستانی بلند.

● بنابر تعریف شما، مثلاً فیلم «خانه خدا» - که حدود ۵۰ سال پیش ساخته شد - یک فیلم مستند سینمایی است، ولی فیلم محمدرسول الله، ساخته مصطفی عقاد، فیلم داستانی است؟

○ بله، همین طور است. آنجا که بحث هنرپیشه یا بازیگر به میان آید و کسی نقش بازی کند، می شود سینمایی داستانی ولی آنجا که واقعیتی را بیان می کند، می شود مستند سینمایی. حول آن محور شاید چندتا تصویر بازسازی شده هم وجود داشته باشد، ولی باز هم مستند است.

● پس باید گفت، فیلم مستند فرد را به متن واقعیت می برد و به همین دلیل تأثیر گذار است. مثلاً همان مثالی که درباره جنگ زدید. ما ده ها برابر روایت فتح فیلم جنگی دیده ایم، ولی روایت فتح تأثیر بیشتری داشت و فضایی ذهنی ایجاد کرد.

○ بله، الان اگر شما آرشیوهای فیلم را در عرصه سینما بگردید، مستندات جنگ و دفاع مقدس را در مستندها پیدا می کنید نه در فیلم هایی که به صورت داستانی ساخته شده اند.

● فیلم مستند در ظاهر عرضه عمومی ندارد. مثلاً فیلم های

○ این کار ما عقبه‌ای دارد که باید درباره‌اش توضیح دهیم. مجموعه مستندی می‌ساختیم به اسم «مهاجران» که بخش اول آن درباره معرفی ایرانیان موفق خارج از کشور بود و خیلی هم بیننده داشت. ولی این بخش ضعف کوچکی داشت. این که هر کس آن را می‌دید، فکر می‌کرد اگر می‌خواهد موفق شود، باید از ایران برود! در حالی که هدف تهیه‌کننده‌ها این نبود. وقتی پیشنهاد دادند بروید و بخش دوم آن را هم بسازید، ما دیدیم قسمت دوم که می‌شود تکرار قسمت اول! پس تصمیم گرفتیم قسمت دوم مجموعه را درباره نخبه‌های داخل بسازیم که هنوز هم تولید آن ادامه دارد. یعنی ۱۳ قسمت اول را ساختیم و الان هم ۱۳ قسمت دوم را داریم می‌سازیم. در مجموعه اخیر، در بخش چهره‌های آموزش و پرورش، این دو بزرگوار قرار دارند؛ یعنی پرویز شهریاری و محمد بهمن بیگی. از قشرهای دیگر هم هستند مثلاً دکتر ایرج فاضل، یادکتر ملک حسینی که هر دو از پزشکان برجسته کشورند یا در عرصه فرهنگی آقای موسوی بجنوردی بینان‌گذار مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که زندگی ایشان ماجرای عجیبی دارد. به هر حال، بهمن بیگی و شهریاری هم دو فیلم از این مجموعه را به خود اختصاص داده‌اند.

● شما که خودتان کارگردان این دو فیلم بودید، ویژگی‌های این دو معلم را در چه دیدید؟

○ در اراده‌شان! در اینکه شأن و حق معلمی را به‌جا آورند و تمام هستی خود را نثار کردند برای این اسم و این شغل؛ شغل معلمی شغلی معمولی نیست. در پس این اسم باید عشق باشد و این‌ها نمونه واقعی معلم بودند و این راه ادامه رسالت پیامبران است. من دیدم دوره‌ای که این‌ها طی کرده‌اند و خدماتی که ارائه کرده‌اند، فراتر از آن بوده است که مثل اغلب معلمان صبح به کلاس بروند و ظهر برگردند و همین!

● شما با این دو نفر آشنایی قبلی هم داشتید؟
○ نه؛ در تحقیقاتمان با آن‌ها آشنا شدیم. در مورد بهمن بیگی، من در شیراز دوستی دارم که پزشک است. از او خواستم واسطه شود میان ما و دکتر ملک حسینی برای تهیه فیلم مستند از ایشان، که گفت: من شخصی را معرفی می‌کنم که صدها مثل ملک حسینی را تربیت کرده است. البته دکتر ملک حسینی هم شاگرد او بوده و حالا ما داریم مستند او را هم می‌سازیم. به هر حال، این‌طور شد که سروکار ما با بهمن بیگی افتاد و به تهیه فیلم مستند از او ختم شد. من تردید ندارم که در کشور ما معلمان دیگری هم مثل این افراد بوده و هستند ولی مهجور واقع شده‌اند. ان‌شاءالله مجله شما باعث شود فهرستی از این معلمان آماده شود و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند. البته هزینه زیادی هم ندارد. هنوز وقت هست که روی آن‌ها کار شود و معرفی شوند.

● آقای فارسی شما مستندی هم درباره ادوارد فیتز جرالده - مترجم اشعار عمر خیام به انگلیسی -



شما و دیگر مستندسازان را باید اتفاقی در صدا و سیما ببینیم.
○ متأسفانه همین‌طور است. سال‌هاست یکی از دغدغه‌های مستندسازها همین است؛ در هیچ یک از زمینه‌ها آن‌طور که باید و شاید مستندساز راننده‌اند، یعنی به آن توجه کافی نکرده‌اند.

● آیا مشکل پخش و بازرگانی و اینها در کار است؟
○ نه، مشکل فهم فرهنگی مدیران است. همین الان شما فرضاً از فلان وزیر بخواهید فی‌البداهه اسم ۳۰ بازیگر را بگوید یا ده تا فوتبالیست را نام ببرد که اصلاً در حوزه علاقه‌هایش هم نیست. سریع می‌گوید. ولی بگو بید پنج تا مستندساز را نام ببر، نمی‌تواند. همین‌طور اگر بروید در فلان کمیسیون فرهنگی، در این حوزه‌ها که گفتیم، سؤال کنید، جوابتان را می‌دهند، ولی اگر درباره مستندسازی پرسید، می‌گویند اجازه دهید فکر کنیم. هر چیزی برمی‌گردد به نگاه فرهنگی جامعه. حالا این نگاه از کجانشنت می‌گیرد، بحث دیگری است.

● با این حساب، فیلم مستند نباید بازدهی اقتصادی و مالی چندانی هم داشته باشد؟

○ همین‌طور است که می‌گویید. مادر ایران مستندساز بالای ۵۰ سال بیشتر از ۱۵ نفر نداریم. اگر شرایط مالی آن‌ها را در نظر بگیرید، در حد یک بازیگر رده دهم هم نیستند یا در حد یک فوتبالیست رده دوستم. این ضعف از کجاست، از ما یا نگاهی که جامعه می‌سازد؟ این در صورتی است که مستندسازان عموماً برادری خود را برای حاکمیت‌ها اثبات کرده‌اند، ولی باز هم وضع به این گونه است.

● آقای فارسی شما دو فیلم درباره دو معلم بزرگ ایران ساختید؛ یکی پرویز شهریاری و دیگری محمد بهمن بیگی. چه چیزی باعث شد سراغ این افراد بروید؟

شهریاری
و بهمن بیگی
نمونه واقعی
معلم بودند و
این راه ادامه
رسالت پیامبران
است. من
دیدم دوره‌ای
که این‌ها طی
کرده‌اند و
خدماتی که
ارائه کرده‌اند،
فراتر از آن بوده
است که مثل
اغلب معلمان
صبح به کلاس
بروند و ظهر
برگردند و
همین



○ همین مشکلاتی که آموزش و پرورش با قشر دانش آموز یا قشر کارمند دارد. البته موضوعات عادی هم که مشکل یا معضل به حساب نمی آید فراوانند و می توانند دست مایه فیلم ساختن قرار گیرند. ولی چیزی که الان وجود دارد، نگرانی خانواده‌ها از بچه‌های خود در محیط آموزشی است.

● به غیر از شما که به مستندسازی در بخش آموزش و پرورش پرداخته‌اید، آیا مستندسازان دیگری هم به این بخش وارد شده‌اند؟

○ اغلب مستندسازان دستی در آموزش و پرورش داشته‌اند. مثلاً عباس کیارستمی که پیر عرصه سینماست، کار خود را از کانون شروع کرده و چند مستند در این حوزه ساخته که الان اسم آن‌ها در ذهنم نیست. کامران شیردل هم همین‌طور. اغلب سینماگران، به خصوص مستندسازها، حتماً سری به آموزش و پرورش زده‌اند. چون بخش اعظم آینده هر کشوری به همین حوزه وصل است.

● شما برای فیلم معلم (بهمن بیگی) از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - در جشنواره بین‌المللی فیلم رشد - جایزه گرفتید. آیا این زمینه در شما هست که باز هم به فعالیت‌های خود در عرصه آموزش و پرورش ادامه دهید؟

○ حتماً. فقط کافی است آن‌ها بگویند که مثلاً ما در اولویت اولمان پنج مشکل یا پنج موضوع مهم داریم. کافی است موضوعات را به ما بدهند و تحقیقات انجام شود. «چه بگوییم» را آن‌ها به ما بگویند تا ما «چطور بگوییم» را - با ساختن فیلم مستند - به آن‌ها بگوییم.

● آخرین سخن شما و یا توصیه‌ای که ما بتوانیم معلمان و دانش آموزان را بیشتر با مستند آشنا کنیم، چیست؟

○ ببینید، ما در عرصه کشور فیلم‌های مستند خوبی ساخته‌ایم. کافی است کسی که متولی این ماجراست، به «مرکز سینمای مستند» وابسته به وزارت ارشاد مراجعه کند یا دو نفر کارشناس به آنجا بفرستند و بروند فیلم‌های جذابی را که به حوزه آموزش مربوط است و یا حتی نیست، خریداری کنند و به صورت یک بسته فیلم به مدارس بدهند برای معلمان و دانش آموزان. ذائقه معلم در عرض یک سال تغییر می‌کند. مستند چیزی را آموزش می‌دهد که سریال‌های شبانه نمی‌توانند. این کار هزینه‌ای هم ندارد، چرا که پول خرید، از راه تکثیر فیلم درمی‌آید.

● با تشکر از شما آقای فارسی. برایتان آرزوی موفقیت داریم.

فیلم مستند آن قدر قدرت دارد که دانش آموز را جذب کند. آموزش می‌تواند حتی رشته‌ای از مشکلات خود را از طریق مستند بیان کند

ساختید. می‌دانید که دانش آموزان معمولاً در مدرسه با خیام آشنایی پیدا می‌کنند و از قبل آن به تأثیر جهانی خیام می‌رسند و در ایجاد این تأثیر - البته از نظر شعر نه ریاضیات - فیتز جerald نقش مهمی دارد. چه شد که شما از بین این همه افراد خارجی سراغ این شخص رفتید؟

○ من برای هر کدام از این افراد انگیزه‌ای داشته‌ام. چند سال پیش آمریکایی‌ها فیلمی در مورد تاریخ ایران در عصر باستان ساخته بودند به نام «سبید» که سعی می‌کرد به نوعی پیشینه ما را تخریب کند. من دیدم که در عرصه فرهنگ، برخورد انفعالی زیاد کاری نمی‌کند و باید کاری فرهنگی کنیم. بعد دیدم ما در سراسر دنیا کسانی را داریم که وقتی به ایران می‌آیند خاک ادب می‌بوسند؛ و این نشانه بزرگی این ملت است. با این فکر سراغ فیتز جerald رفتم. امثال او فراوانند.

● باز تاب این فیلمتان چگونه بوده است؟

○ می‌دانید، ذائقه مردم عوض شده است. فیلم مستند و در کل فیلمی که قرار است در آن حرفی زده شود، خیلی مخاطب عام ندارد و این خودش نشان‌دهنده وجود یک مشکل فرهنگی است که سبب می‌شود ذائقه مردم تا حد این سریال‌های ضعیف تلویزیونی پایین بیاید. به هر حال، فیلم‌هایی که ما کار کردیم، در درازمدت تأثیر خود را می‌گذارد و ماندگار خواهد شد. لذا ما نگران نیستیم و معتقدیم که این فیلم‌ها به مرور راه خود را پیدایمی‌کنند.

● فکر می‌کنید اگر ما

دانش آموزان را به دیدن این گونه فیلم‌های مستند عادت دهیم، از مشکل کاسته می‌شود؟

○ صد در صد.

● شما در این باره توصیه‌ای به آموزش و پرورش دارید؟

○ من معتقدم که تأثیر فیلم مستند برای بچه‌ها کمتر از فیلم سینمایی نیست. فیلم مستند آن قدر قدرت دارد که دانش آموز را جذب کند. آموزش و پرورش می‌تواند حتی رشته‌ای از مشکلات خود را از طریق مستند بیان کند.

ما مجموعه‌ای به نام سراب ۲ ساختیم که از صداوسیما پخش نشد، ولی تقریباً اکثر مدارس آن را دیدند.

آن مجموعه به مشکلات جوانان می‌پرداخت و دانش آموزان در بهر در دنبال آن بودند. از این گونه فیلم‌ها باز هم می‌توان ساخت که برای جوانان جذاب باشد؛ چون دغدغه روزمره آن‌هاست.

● به نظر شما غیر از زندگی معلمان، چه چیزی در آموزش و پرورش می‌تواند دست مایه مستند ساختن باشد.

